

## بررسی تفسیری آیه ۳۵ ص

### و پاسخ به شبهه ناظر به دعای حضرت سلیمان ﷺ

ابوالحسن بارانی\*  
محمدابراهیم ایزدخواه\*\*

#### چکیده

حضرت سلیمان ﷺ از خدای متعال درخواست حکومتی بی‌مانند نمود؛ چنانچه در آیه ۳۵ سوره ص آمده است: «قَالَ رَبُّ اغْفِرْ لِي وَ هَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْتَعِي لِأَخْدِي مِنْ بَعْدِي». خدای متعال حکومت بی‌نظیری را به ایشان عطا فرمود. سؤالی که در اینجا پیش می‌آید، ناظر به انگیزه حضرت سلیمان ﷺ یا بخل ورزیدن آن حضرت است که چرا از خدا خواسته که ملکی را به ایشان عطا کند که پس از وی کسی سزاوار آن نباشد. بیشتر مفسران قائلند که حضرت سلیمان ﷺ درخواست معجزه نموده است؛ زیرا هر یک از انبیاء، باید برای اثبات نبوت خویش دلیلی به عنوان معجزه، داشته باشند که در طول تاریخ تکرار نشود، از این‌رو به تناسب اوضاع جامعه آن روز، خدای متعال حکومت بی‌مانند را به عنوان معجزه حضرت سلیمان ﷺ انتخاب فرمود.

#### واژگان کلیدی

آیه ۳۵ ص، دعای حضرت سلیمان ﷺ، شبهه بخل حضرت سلیمان ﷺ.

barani1@chmail.ir  
m\_izdkah@Qim.ir  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۲

\*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول).  
\*\*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم.  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۲

### طرح مسئله

هدف اصلی از بعثت انبیای الهی، ابلاغ کلام خدا به مردم و آموزش روش صحیح زندگی است. اما برخی از مسائل دینی؛ مانند قوانین مالی، جهاد و ... بدون در دست داشتن قدرت حاکم، تحقق نمی‌یابد. حال اگر مدیریت جامعه تسليم خواسته‌های انبیا نگردد، بر خود ایشان واجب است که در بی‌اقدامی عملی، قدرت را به دست گرفته و در انجام دستورهای الهی، تمام سعی خویش را به کار بندند. از این‌رو، لازم بود تا برخی از انبیای الهی، مانند حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup>، حضرت محمد<sup>علیه السلام</sup> و ... در قالب حکمرانان جامعه، دارای قدرت در مُلک و حکومت باشند تا هدف از رسالت انبیا به مشکل برخورد. در جریان زندگی حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> و در حالات ایشان آمده است که ایشان از خدا درخواست حکومتی بی‌مانند را می‌نماید و خدای متعال به ایشان ملک و حکومتی عطا فرموده که به هیچ‌کس نداده است، قرآن در آیه ۱۲ و ۱۳ سوره سباء، گوهای از عظمت و امکانات وسیع سلیمان را بازگو کرده و چنین می‌فرماید: برای سلیمان<sup>علیه السلام</sup> باد را مسخر کردیم که صبحگاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را و چشممه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگارش کار می‌کردند، و هر کدام از آنها که از فرمان ما سریچی می‌کرد، او را عذاب آتش سوزان می‌چشاندیم. آنها هر چه سلیمان<sup>علیه السلام</sup> می‌خواست برایش درست می‌کردند، معبددها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا همانند حوض‌ها و دیگر ای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود و به آنان گفتیم) ای آل داود! شکر (این همه نعمت را) به جا آورید، ولی عده کمی از بندگان من شکرگزارند. آری خدای متعال مواهب عظیمی به این پیامبر بزرگ داد، مرکبی بسیار سریع و تندرو که با آن می‌توانست در مدتی کوتاه، سراسر کشور پهناورش را سیر کند، که بعضی از آن به قالی سلیمان تعبیر نموده‌اند. مواد معدنی فراوان برای انواع صنایع و نیروی فعال کافی برای شکل دادن به این مواد معدنی به او عطا کرد. او با بهره‌گیری از این وسایل، معابد بزرگی ساخت و مردم را به عبادت خدای یکتا ترغیب نمود و برای پذیرایی از لشکریان و مستضعفان، امکانات وسیعی در اختیارش قرار گرفت و در برابر این همه مواهب، خدا به او دستور شکرگزاری داد.

در اینجا این سؤال در مورد دعای حضرت سلیمان وجود دارد که آیا درخواست داشتن حکومتی منحصر به فرد نشانه بخل و حسد یا قدرت‌طلبی، کبر و غور نیست؟ به عبارت دیگر چرا سلیمان سلطنتی می‌خواهد که بعد از او هم به هیچ‌کس نرسد؟

تفسران در طول تاریخ به این سؤال، پاسخ‌های متعددی داده‌اند که به دیدگاه‌های مشهور میان مفسران شیعه و اهل سنت اشاره می‌شود:

### ۱. تقاضای معجزه

از آنجا که هر پیامبری معجزه مخصوص به خود داشته است، حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> از خدای متعال یک نوع حکومت می‌خواست که توأم با معجزات ویژه‌ای بوده باشد، و حکومت او را از سایر حکومت‌ها مشخص کند. ابوالفتوح رازی آورده است: «او از خدای درخواست تا ملک او آیت نبوت‌ش کند و معجزه پیغمبری اش» (۱۴۰۸ / ۱۶) شیخ طوسی (بی‌تا: ۵۶۴ / ۸) و طبرسی نیز، این احتمال را ذکر نموده است: «سلیمان با این درخواستش از خدا معجزه‌ای را مستلت می‌کند که مخصوص او باشد» (۱۳۷۲ / ۸) صاحب منهج الصادقین، ضمن بیان این احتمال، آن را مؤید به حدیث صحیح می‌نماید. (کاشانی، ۱۳۳۶ / ۸: ۵۷) از تفاسیر علمای معاصر آیت‌الله مکارم شیرازی، این نظریه را مناسب‌تر و منطقی‌تر می‌داند: «او از خدا یک نوع حکومت می‌خواست که توأم با معجزات ویژه‌ای بوده باشد و حکومت او را از سایر حکومت‌ها مشخص کند و این برای پیامبران عیب و نقیصی محسوب نمی‌شود که برای خود تقاضای معجزه ویژه‌ای کنند، تا وضع آنها را کاملاً مشخص کند، بنابراین هیچ مانع ندارد که دیگران حکومت‌های وسیع‌تر و گسترده‌تر از سلیمان پیدا کنند اما ویژگی‌های آن را نخواهند داشت. شاهد این سخن آیات بعد از این آیه است که در حقیقت اجابت این درخواست سلیمان را منعکس ساخته و سخن از تسخیر باد و شیاطین می‌گوید و می‌دانیم این موضوع از ویژگی‌های حکومت سلیمان بود و از اینجا پاسخ سؤال دوم که می‌گوید: طبق عقیده ما مسلمانان حکومت مهدی<sup>علیه السلام</sup> حکومتی است جهانی و مسلمان گسترده‌تر از حکومت سلیمان، روش می‌شود؛ زیرا با تمام وسعتی که حکومت حضرت مهدی<sup>علیه السلام</sup> دارد و با همه امتیازهایی که آن را از سایر حکومت‌ها مشخص می‌کند، از نظر ویژگی‌ها و خصوصیات با حکومت سلیمان متفاوت است و این حکومت سلیمان مخصوص خودش بوده. خلاصه اینکه سخن از

کم و زیاد و افزون طلبی و انحصار جویی نیست، سخن از این است که کمال نبوت در این است که از نظر معجزات و بیزگی‌هایی داشته باشد که آن را از نبوت انبیای دیگر مشخص کند، و سلیمان طالب این بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ / ۱۹ : ۲۸۴)

بسیاری از مفسران اهل سنت نیز این احتمال را ذکر کرده‌اند از جمله طبری، این احتمال را، پس از آنکه به نسبت اهل زمان ذکر می‌نماید، دلیلی بر نبوت می‌داند: «این وجه خوب است که منظور از این قدرتی که شایسته غیر من نباشد را به نسبت اهل زمان ذکر کنیم تا حاجت و دلیلی برای نبوت من باشد اینجا راهی نیست که نشانه‌های داشته باشند که با آن با سایر مردم تقاضوت داشته باشند.» (طبری، ۱۴۱۲ / ۲۳ : ۱۰۶) بیضاوی این احتمال را بیان کرده است: «پروردگارا قدرتی به من عطا کن تا معجزه‌های و مناسب برای حالم باشد» (بیضاوی، ۱۴۱۸ / ۵ : ۳۰) فخر رازی تقاضای معجزه توسط حضرت سلیمان عليه السلام را از اقوال مفسران ذکر نموده است: «حضرت سلیمان تقاضا نموده که دیگران قدرت نداشته باشند تا معجزه‌ای بر نبوت و رسالتم باشد.» و شاهد بر این معنا این است که در ادامه آیه آمده که خداوند باد را به امر سلیمان قرار داد که انسان قدرت بر جریان باد داشته باشد دلیلی بر قدرتی اعجازگونه می‌باشد. (رازی، ۱۴۲۰ / ۲۶ : ۳۹۴)

## ۲. فرمان الهی

بعضی از مفسران این احتمال را داده‌اند که این دعا به فرمان الهی بوده است از جمله ابوالفتوح رازی آورده: «سلیمان عليه السلام این سؤال نکرد از خدای تعالی آلا به دستور و اذن او. و خدای او را فرمود تا این دعا کند از آن که در سابق علم او چنان بود که هر کس که چون سلیمان بود، ملک چنان او را مفسدت باشد. او را فرمود تا این دعا کردد» (رازی، ۱۴۰۸ / ۱۶ : ۲۸۰)

شیخ طوسی می‌نویسد: «جایز نیست که انبیا از خداوند تقاضایی داشته باشند که خدا اجازه آن را نداده باشد.» (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۵۶۴) بنابراین تقاضای حضرت سلیمان به دستور و اذن خدا بوده است؛ زیرا پیامبران از خدا چیزی را درخواست نمی‌کنند مگر اجازه و اذن داشته باشند و ممکن است که خدای متعال سلیمان را آموخته باشد که ملکی را سؤال کند که برای دیگری نباشد و برای وی صلاح در دین بوده و برای دیگری در این پرسش و درخواست مصلحتی برای دینش نمی‌باشد، پس اگر یکی از ما هم از خدا درخواست کند که ای خدا برای من ثروتی را عطا کن که از همه بیشتر باشد در صورتی که صلاح دین من باشد، نیکو و پسندیده خواهد بود و این درخواست را نمی‌توان به بخل و حسادت تأویل کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۸ : ۷۴۳)

جرجانی نیز این احتمال را نقل نموده است: «بعضی گفتند که این سؤال به دستور خدای تعالی کرد که فرمود او را تا این دعا کند از آنکه در سابق علم وی بود که هر کس که جز از سلیمان بود ملک آن چنان مفسده باشد وی را و جز به عصمت نگاه داشت این مملکت راست نیاید رسول صلوات الله علیه و آله و سلم گفت: سلیمان با آن همه مملکت و سلطنت یک طرفه العین سر به آسمان نداشتی پیوسته می‌آمدی سر در پیش افکنده با خشوع و خضوع». (جرجانی، ۱۳۷۷ / ۸ : ۱۵۱)

## نقد این احتمال

از ظاهر آیه به دست نمی‌آید که این درخواست به فرمان الهی بوده باشد.

## ۳. نسبت به اهل زمان

برخی از مفسران شیعه این احتمال را داده‌اند که این تقاضای حضرت سلیمان نسبت به اهل زمان خودش بوده است، نظر شیخ طوسی در تبیان این‌گونه است: «سلطنتی تقاضا دارم که برای هیچ کس از کسانی که بر آنها مبعوث شده‌ام شایسته نباشد و منظور این نیست که تا روز قیامت خداوند به کسی چنین سلطنتی ندهد» (طوسی، بی‌تا: ۸ / ۵۶۴)؛ به همین معنا طبرسی در مجمع الیان اشاره دارد: «از افرادی که من مبعوث به آنان شده‌ام چنین قدرتی و ملکی نداشته باشد، چنان که گفته می‌شود: (من پس از تو از کسی اطاعت نمی‌کنم) یعنی از غیر تو اطاعت نمی‌کنم تا تو هستی.» (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۸ : ۷۴۳)

فیض کاشانی نیز به همین مطلب اشاره دارد: «لا ینبغی لاحد من بعدی ... مراد مردمانی باشند که به ایشان مبعوث گشته نه آنکه مراد از آن سایر انبیا و غیرهم باشند تا روز قیامت و نظیر اینکه شخصی گوید (انا اطیعک ثم لا اطیع احداً بعدك) مراد آن است که من اطاعت احده به جز تو، نمی‌کنم نه که مراد زمان مستقبل باشد.» (کاشانی، ۱۳۳۶ / ۸ : ۵۷)

**نقد و بررسی این احتمال**

اگرچه این تفسیر، اشکال را برطرف می‌کند اما با ظهور آیه منافات دارد؛ زیرا جمله (من بعدی) مطلق است و ظهور در تمام زمان‌ها دارد.

**۴. تقاضای حکومتی الهی**

برخی از مفسران گفته‌اند که حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> از خداوند خواست، حکومتی به او دهد که هیچ کس نتواند بعد از او بگوید از طریق غلبه و ظلم و اجبار مردم به دست آمده است. چنانچه محدث بحرانی گفته است: «خدايا سلطنتي بده که شایسته نباشد برای احدی بعد از من بگوید که با غلبه و اجبار به دست آورده‌ام» (بحرانی، ۱۴۱۶ / ۴) در تفسیر نورالثقلین با استناد به حدیثی از علی بن یقطین از امام کاظم<sup>علیه السلام</sup> آمده: «حکومت دو گونه است: حکومتی که از طریق ظلم و غلبه و اجبار مردم به دست می‌آید و حکومتی که از سوی خدا است، مانند حکومت خاندان ابراهیم و طالوت و ذوالقرنین. حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> از خدا خواست حکومتی به او دهد که هیچ کس نتواند بعد از او بگوید از طریق غلبه و ظلم و اجبار مردم به دست آمده است.» (حویزی، ۱۴۱۵ / ۴) از این رو خدای متعال باد را مسخر فرمان او ساخت که به نرمی هر کجا او مایل بود جریان می‌یافت، و صحیح‌گاهان فاصله یک ماه را می‌پیمود، و عصرگاهان فاصله یک ماه را و خدای متعال شیاطین را مسخر او ساخت که برای او ساختمان می‌ساختند و غواصی می‌کردند، و علم سخن گفتن با پرندگان را به او تعلیم داد و حکومت او را در زمین پا بر جا ساخت، لذا در همان زمان و زمان‌های بعد مردم دانستند که حکومت او هیچ شباهتی به حکومتی که مردم آن را برمی‌گزینند و یا از طریق قهر و غلبه و ستم حاصل می‌شود، ندارد. این تفسیر بیشتر در دیدگاه مفسران شیعه دیده می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ / ۱۹؛ مکارم شیرازی، ۲۸۴ / ۲۸۵)

**نقد و بررسی این احتمال**

ضمن اینکه از سیاق آیه بحثی از آوردن قدرت از راه غلبه و زور نیست، در نقد این دیدگاه می‌توان گفت: مراد از «لا ینبغي لاحد من بعدی» که گفته شده است بعد از من به احدی این ملک نرسد؛ یعنی به غلبه و ستمگری نرسد؛ زیرا آن ملک عطا و بخشش الهی به سلیمان بود و امکان نداشت که درباره‌اش گفته شود، با غلبه بوده است، مانند سرزمین ستمگران (دبکتاتورها)، از آن جهت که خدا باد و جمله جنیندگان و پرنده‌گان زمین را تحت فرمان او قرار داد و مراد بخشیدن ملکی بوده است که لایق مقام او باشد که دیگری پس از آن، لایق به آن مقام نیست، ما درخواست او را اجابت کردیم و باد را مسخر او گردانیدیم که هر جا بخواهد به آرامی روان شود. (ر.ک: مکارم شیرازی، همان: ۲۸۵)

**۵. در مقابل پادشاهان**

بعضی از مفسران این درخواست حضرت سلیمان را مربوط به سایر پادشاهان می‌دانند نه انبیای الهی، از جمله میبدی چنین آورده است: «تقاضای حکومتی داشته است که بعد از وی برای پادشاهان شایسته نباشد». (میبدی، ۱۳۷۱ / ۸؛ ۳۶۳ / ۸)

**نقد این نظریه**

این نظریه با اطلاق آیه نمی‌سازد.

**۶. عظمت و وسعت سلطنت**

صاحب تفسیر البحر المحيط این‌گونه بیان داشته است: «لا ینبغي لاحد من بعدی، و لم يقصد بذلك الا عظمة الملك و سعته» یعنی حضرت سلیمان با این دعا، قصد نکرده مگر عظمت و وسعت سلطنت را (اندلسی، ۱۴۲۰ / ۹؛ ۱۵۹ / ۹)

**نقد و بررسی**

البته این معنا، جواب از سؤال و حل مشکل نیست؛ زیرا درخواست سلطنتی با عظمت و دارای وسعتی زیاد، تأکید بر سؤال است؛ زیرا می‌توان گفت که چرا سلیمان از خدا می‌خواهد که چنین سلطنتی با عظمت به کسی دیگر عطا ننماید؟

#### ۷. شخصی بودن تقاضای سلیمان

علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «درخواست سلیمان ﷺ درخواستی برای خودش است، نه درخواست منع از دیگران، نمی‌خواهد درخواست کند که دیگران را از سلطنتی چون سلطنت او محروم کند و فرق است بین اینکه مُلکی را که مختص به خود است، درخواست کند، و اینکه اختصاص آن را برای خود بخواهد. خلاصه اینکه؛ سخن از کم و زیاد و افزون‌طلبی و انحصار جویی نیست، سخن از این است که از نظر معجزات ویژگی‌هایی داشته باشد که آن را از نبوت انبیای دیگر مشخص کند و سلیمان جویای چنین ویژگی‌هایی بود». (طباطبائی، ۱۴۱۷: ۲۰۵)

#### ۸. اطمینان به پذیرش توبه

تفسران و محدثان در زمینه توبه حضرت سلیمان ﷺ اخبار و تفسیرهایی نقل کرده‌اند که از همه موجه‌تر و روشن‌تر این است که: سلیمان آرزو داشت فرزندان برومند شجاعی نصیب شود که در اداره کشور و به خصوص جهاد با دشمن به او کمک کنند، او دارای همسران متعدد بود با خود گفت: من با آنها همیستر می‌شوم – تا فرزندان متعددی نصیبیم گردد و به هدف‌های من کمک کنند، ولی چون در اینجا غفلت کرد و «انشاء الله»، همان جمله‌ای که بیانگر اتکای انسان به خدا در همه حال است، نگفت در آن زمان هیچ فرزندی از همسرانش تولد نیافت، جز فرزندی ناقص الخلقه، همچون جسدی بی‌روح که آن را آوردنده و بر کرسی او افکنند! سلیمان سخت در فکر فرو رفت، و ناراحت شد که چرا یک لحظه از خدا غفلت کرده و بر نیروی خودش تکیه کرده است، توبه کرد و به درگاه خدا بازگشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۹ / ۲۷۹)

اطمینان به پذیرش توبه را طبیری به عنوان یک جواب از اشکال مطرح شده، ذکر می‌کند: «گفته شده که اشتیاق سلیمان به سلطنت به‌خاطر دنیا نبوده است بلکه اراده نموده که منزلت خودش را پیش خدا بداند تا به این وسیله متوجه شود که آیا توبه‌اش پذیرفته شده است.» البته طبیری خودش قائل به معنایی دیگر است و آن هم اینکه سلیمان تقاضا نموده که این سلطنت از او سلب نشود. (طبیری، ۱۴۱۲: ۲۳ / ۱۰۶) این احتمال را بعضی دیگر از مفسران می‌دهند مثلاً سیوطی آورده: «یقول لا اسلبه كما سلبته» از من سلب نشود. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۵ / ۳۱۳)

#### نقد این دیدگاه

به‌نظر می‌رسد هر دو احتمال طبیری اشکال را حل نمی‌کند؛ زیرا سلیمان به شیوه‌ای دیگر می‌توانست از پذیرفتن توبه آگاه شود و اگر هم به‌وسیله درخواست سلطنت بود چه معنا داشت که تقاضا نماید به کسی دیگر از بعدش نرسد؟! و احتمال دیگر طبیری نیز اشکال دیگری افزون می‌نماید و آن هم اگر سلیمان، خدا را قادر و عالم مطلق می‌داند چه معنا دارد که تقاضا نماید از او سلب نشود؟ زیرا تا زمانی که این سلطنت به مصلحت وی برای هدایت جامعه باشد، خدا در اختیارش نگه می‌دارد. و از طرفی این احتمالات با ظاهر آیه سازگار نیست.

#### ۹. شایسته نبودن شیاطین برای جانشینی

برخی از مفسران اهل سنت این احتمال را داده‌اند. اندلسی آورده: حکومتی که از من سلب و گرفته و منتقل به جن نشود (اندلسی، ۱۴۲۰: ۴ / ۵۰۵) بیضاوی به عنوان احتمالی نیز آورده است: حکومتی که هیچ کس شایسته گرفتن از من را نداشته باشد (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۰) این نظریه، نخستین دیدگاه فخر رازی است که در فرض عدم پذیرش، نظریات دیگری را اضافه می‌نماید، شاید این وجه را با توجه به حضور شیاطین در زمان حضرت سلیمان ذکر نموده است: یعنی خداوند سلیمان را سلطنتی عطا نماید که شیاطین شایسته جانشینی و حاکمیت بعد از سلیمان را نداشته باشند. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۳۹۵)

#### نقد این احتمال

اصولًا در آیه بحثی از سلطنت شیاطین نیست و از طرفی شیاطین هیچ‌گاه بر انسان‌ها حکومت نداشته‌اند و در ظاهر آیه نیز، حکومت انسان‌ها به‌دست می‌آید.

**۱۰. تقاضای نعمت غیر قابل انتقال به دیگری**

حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> مریض شد و پس از آن صحت و سلامتی یافت، دریافت نمود که تمامی خیرات دنیا منتقل به دیگران می‌شود چه با ارت و چه با سببی دیگر، لذا دعا نمود و از خداوند تقاضای سلطنتی کرد که امکان انتقال آن به دیگران نباشد. (رازی، همان: ۳۹۵)

**نقد این دیدگاه**

این جواب فخر رازی از جهاتی قابل خدشه است؛ زیرا معنا ندارد که پیامبر خدا درکی از انتقال خیرات دنیا نداشته باشد و پس از مریضی و سلامتی مجدد، تازه بفهمد که تمام خیرات دنیا با ارت و سایر اسباب منتقل می‌شود! و از طرفی چه معنا دارد که پس از درک این مطلب، دعا کند که خدا به هیچ کس پس او این سلطنت را ندهد؟ اینکه شباهه حسد و بخل را تقویت می‌کند.

**۱۱. رسیدن به ثواب بیشتر**

جواب دیگر فخر رازی گویا اشاره به نکته‌ای عرفانی دارد به این بیان که: دوری از دنیا با داشتن قدرت استفاده از آن، مشقت بیشتری دارد نسبت به زمانی که قدرت و امکانات دنیوی برای انسان فراهم باشد، گویا حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> گفته است: خدایا به من سلطنتی فائق بر سایرین عطا بنما تا دوری و ترک دنیا موجب شود ثوابم بیشتر و کامل‌تر گردد. (رازی، همان)

**نقد این نظریه**

اولاً این مسئله در مورد پیامبران الهی که مقصوم و به دور از هرگونه هوا و هوس ریاست می‌باشند، معنا ندارد و ثانیاً جوابی برای حل اشکال در دعای سلیمان؛ یعنی درخواست قدرتی که خداوند به هیچ کس بعد از او ندهد، نیست و هنوز ایراد بخل باقی می‌ماند.

**۱۲. اتمام حجت بر دیگران**

بعضی از مردم می‌گویند: دوری از لذات دنیا امری سخت و مشکل است؛ زیرا این لذات نقد است و اما سعادت اخروی نسیه می‌باشد. و در معامله نقد با نسیه، انتخاب نسیه اخروی مشکل است. پس حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> درخواست قدرت و سلطنتی عظیم نموده تا با دوری و ترک لذات دنیوی، برای همیشه اتمام حجتی باشد و بر خلق خدا ثابت کند که رسیدن به دنیا و داشتن آن، انسان را منع از عبادت و انجام فراموشی خدا، نمی‌کند. (رازی، همان)

**نقد این احتمال**

این نظریه صرفاً یک احتمال است و دلیلی بر آن نیامده است.

**۱۳. توجه دادن مردم به آخرت و اعراض قلبی آنها از دنیا**

کسی که قدرت دنیوی ندارد، گمان می‌کند که در آن سعادتی عظیم و خیر زیادی است. پس حضرت سلیمان<sup>علیه السلام</sup> این تقاضا را نموده تا مردم سلطنت تمام و قدرت کامل را در سلیمان بینند و درک نمایند در آن فایده‌ای نیست در نتیجه قلیشان از لذات دنیوی روی‌گردان شود و در نهایت مشغول به عبادت خدا شوند. (رازی، همان)

**قول مختار**

اولاً؛ در بین اقوال گفته شده، حمل آیه بر تقاضای معجزه، قوی‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا در سوره ص بحث از آمدن پیامبران و مشکلات و گاه معجزات آنها و نیز دلاری پیامبر اسلام است و از طرفی در شش آیه قبل، یعنی آیه ۲۹ همین سوره،<sup>۱</sup> بحث از معجزه پیامبر اسلام می‌باشد که خداوند می‌فرماید: «لَيْسَ كَلَّابٍ بِرَبِّكَ الْأَعْلَمُ، تَآتِيَتْ آنَّ رَا تَدْبِرَ كَنْدَ وَ

۱. کتاب انزالناهُ إلَيْكَ مُبَارِكٌ لِيَدِبَرُوا آياتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ.

صاحبان مغز و اندیشه متذکر شوند.» (مکارم شیرازی، همان: ۱۹ / ۲۶۷) بنابراین سیاق آیات این احتمال را که تقاضای سلیمان حمل بر معجزه شود، تقویت می‌نماید. و از طرفی اجابت چنین درخواستی به این گستردنی و عظمت برای یک پیامبر، می‌تواند خود دلیلی بر رسالت وی باشد. ضمن اینکه برای سلیمان معجزه‌ای غیر از این نقل نشده است و حال آنکه بایستی پیامبران برای دعوتشان معجزه و دلیلی داشته باشند، پس همین ملک عظیم دلیل نبوت است که با این ویژگی‌ها به دیگری داده نشده است.

بنابراین تقاضای ملک عظیم، معجزه و برای اجرای عدالت بوده است و جمله (لاینبغی لاحظ من بعدی) از باب مبالغه است و این درخواست سلیمان حمل بر بخل و حسادت نمی‌شود؛ زیرا اولاً آنبا الهی از این صفات رذیله به دور هستند و ثانیاً بخل و حسادت در موقعی مطرح می‌شود که فرد زنده باشد اما بعد از حیات، دیگر بخل و حسادت، معنای ندارد. ثانیاً اینکه تقاضای سلیمان نسبت به اهل زمان خودش بوده است، نیز قوی به نظر می‌رسد، نظیر اینکه درباره حضرت مریم ﷺ آمده است که «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَكُ وَأَطَهَرَكَ وَاصْطَلَّاكَ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (آل عمران / ۴۲) یعنی «نساء العالمین» همان عصر و اگر صدیقه طاهره ﷺ «سیده نساء العالمین» است آن مطلق است، پس ممکن است اینکه فرمود: «عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ»؛ یعنی «نساء العالمین» همان عصر و اینکه سلیمان عرض کرد خدایا «لَا يَنْبَغِي لَاهُدِ مِنْ بَعْدِي»؛ یعنی تا من زندهام به کسی نده، این منافات ندارد و به کسی هم نداد.

### نتیجه

از شبهه بخل و حسد در دعای حضرت سلیمان در آیه ۳۵ سوره ص، که از خدا درخواست سلطنتی نمود که به هیچ کس بعد از ایشان داده نشود، مفسران جواب‌های مختلفی داده‌اند از جمله:

(الف) حضرت سلیمان درخواست معجزه نموده است:

اکثر مفسران قائل به این معنا هستند، زیرا هر یک از آنبا، باید برای اثبات نبوّت خویش معجزه‌ای بیاورند که در طول تاریخ تکرار نشود؛ لذا به تناسب اوضاع جامعه آن روز، خداوند حکومت بی‌مانند را به عنوان اعجاز سلیمان ﷺ برگزید تا حکومت او را از سایر حکومتها مشخص کند. شاهد این سخن، آیات بعد است که در حقیقت، اجابت این درخواست سلیمان را منعکس ساخته و سخن از تسخیر باد و شیاطین است و این موضوع از ویژگی‌های حکومت سلیمان بود.

(ب) درخواست حضرت سلیمان در مقایسه با حکومت‌های جبار آینده بوده است:

دعای حضرت سلیمان، در مقایسه با حکومت‌های جبار قرون و اعصار آینده بوده است که حضرت به عنوان نبی خدا و حجت بر مردم، بهخصوص حجت بر جباران صاحب قدرت و مکنت، از خدا می‌خواهد الگویی برای جباران سرمدست از قدرت شود تا به آنان نشان دهد، در عین داشتن این همه شکوه و جلال چگونه می‌توان بندهای خاشع و فروتن در مقابل خداوند سبحان بود.

(ج) ایجاد و بیان الگویی روشن از ویژگی‌های حکومت آخرالزمان:

ذکر مکرر ویژگی‌ها و عجائب حکومت داوی و سلیمانی، در موضع متعدد قرائی، بیانگر الگوی اجمالی و روشنی از ویژگی‌ها و عجائب حکومت جهانی اخر الزمان است تا مؤمنان با درکی روشن به مقصود از حکومت موعود، با شوق بیشتری، برای تحقق آن به تلاش و کوشش پردازند و زمینه‌های حصول آن را فراهم آورند.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- ابن عجیب، احمد بن محمد، ۱۴۱۹ ق، *البحر المدید فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، حسن عباس زکی.
- اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، ۱۴۲۰ ق، *البحر المحيط فی التفسیر*، ج ۹، بیروت، دار الفکر.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ ق، *البرهان فی تفسیر القرآن*، ج ۴، تهران، بنیاد بعثت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ ق، *أنوار التنزيل وأسرار التأويل*، ج ۵، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربي.

- جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، ۱۳۷۷، *جلاء الاذهان و جلاء الاحزان*، ج ۸، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- حویزی، عبدالعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، ج ۴، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، ج ۴.
- خسروی حسینی، سید غلامرضا، ۱۳۷۵، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، تهران، مرتضوی، ج ۲.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، ۱۴۰۸ ق، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۶، تحقیق محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قاسم رضوی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب*، ج ۲۶، بیروت: دار احیاء التراث العربي، ج ۳.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ ق، *الدر المنشور فی التفسیر بالمانعور*، ج ۵، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۵.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ج ۸، تحقیق محمد جواد بلاغی، تهران، ناصرخسرو، ج ۳.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران و قم، دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، ج ۲۳، بیروت، دار المعرفة.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *التبيان فی تفسیر القرآن*، ج ۸، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۸ ق، *الاصفی فی تفسیر القرآن*، تحقیق محمد حسین درایتی و محمد رضا نعمتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- قمی، محمد بن محمد رضا، ۱۳۶۸، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاشانی، فتح الله، ۱۳۳۶، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، ج ۸، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۱۹، تهران، دار الكتب الاسلامية.
- مبیدی، رشید الدین، ۱۳۷۱، *کشف الاسرار و علة الابرار*، ج ۸، تحقیق علی اصغر حکمت، تهران، امیر کبیر، ج ۵.
- نجفی خمینی، محمد جواد، ۱۳۹۸ ق، *تفسیر آسان*، تهران، انتشارات اسلامیه.
- نقی پور فر، ولی الله، ۱۳۸۰، بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن، قم، مرکز آموزش مدیریت دولتی.